



به مناسبت ۱۲ اردیبهشت سالروز
شهادت استاد مطهری

قرآن در آثار شهید مطهری

سید مهدی موسوی

استاد مطهری در لابه‌لای آثار خود برای درک بهتر و استفاده بیشتر از قرآن سفارشهایی می‌کرد که ما به چند نمونه آنها اشاره می‌کنیم و چون مخاطبان این نشریه حافظان و قاریان قرآن اند، نکاتی ذکر شده که مشوق و راهنمای این عزیزان باشد.

آشنایی با زبان قرآن

آن شهید والا مقام در این باره می‌نویسد: «گروهی می‌پندارند منظور از تلاوت قرآن، تنها خواندن قرآن به قصد ثواب بردن است، بدون آنکه چیزی از معانی آن درک گردد. اینها دائماً قرآن را دوره می‌کنند، اما اگر یک‌بار از ایشان سؤال شود که آیا معنی آنچه را می‌خوانید می‌دانید، از پاسخگویی عاجز می‌مانند. خواندن قرآن از این جهت که مقدمه‌ای است برای درک معانی قرآن، لازم و خوب است و نه صرفاً به قصد کسب ثواب. درک معانی قرآن نیز ویژگی‌هایی دارد که باید به آن توجه داشت در یادگیری بسیاری از کتابها، آنچه که برای خواننده حاصل می‌شود، یک سلسله اندیشه‌های تازه است که قبلاً در ذهن او

استاد شهید مرتضی مطهری، یکی از شاگردان مکتب قرآن است که با طهارت روح و قوت ایمان و ذهنی به دور از کج‌سلیفگی و انحراف، با اعتدال فکری و سلامت نفسانی در محضر قرآن زانوی ادب زد و به فهم صحیح از وحی و قرآن پرداخت؛ چنان‌که خود و آثار گران‌قیمت خود را جاودانه کرد. او با نقی افراط و تفریط و نگاهی جامع و بدون هیچ پیش‌فرض علمی به استخراج دیدگاه‌های قرآن در مواجهه با مسائل و پیش‌آمدهای روز می‌پرداخت و قرآن را مهم‌ترین منبع شناخت اسلامی می‌دانست.

شهید مطهری که خود تربیت‌یافته مکتب و زلال آیات قرآن بود، وظیفه اصلی قرآن را هدایت و تربیت انسان می‌دانست و معتقد بود «قرآن» هدف خود را مشخص می‌کند: پاره کردن زنجیرهای جهل و گمراهی و ستم و تباهی اخلاقی و اجتماعی و در یک کلمه نابود کردن ظلمتها و هدایت به سمت عدالت و خیر و روشنایی و نور».

وجود نداشت. در اینجا تنها عقل و قوه تفکر خواننده است که به فعالیت مشغول می‌شود. در مورد قرآن، بدون شک باید آن را به قصد آموختن و تعلیم یافتن مورد مطالعه قرار داد. قرآن خود در این زمینه تصریح می‌کند: «کتاب أنزلناه إليك متاركة لتدبروا آياته ولتذكر أولوا الألباب»^۱.

اهمیت حفظ کردن آیات قرآن

ایشان می‌فرماید:

«قرآن از کتابهایی است که آمادگی‌اش برای حفظ شدن از هر کتاب دیگر بیشتر است. عجیب است! شعر را می‌شود، حفظ کرد و قرآن شعر هم نیست، نثر است. یک کتاب نثر در دنیا نمی‌توان پیدا کرد که بشود چهار صفحه‌اش را حفظ کرد و قرآن در اثر آن سلاست فوق‌العاده‌ای که در عبارات و کلماتش هست، (این خاصیت را دارد) ...؛ برای اینکه کلمات آن سلیس است؛ یعنی هر کلمه‌ای نسبتاً در جای خودش قرار گرفته است. بعد که انسان حفظ کرد، دیر فراموش می‌کند؛ چون به معنی واقعی سلاست دارد ... و لهذا حفظ کردن قرآن مثل تلاوت کردن آن، امر بسیار مطلوبی است و مخصوصاً بعد از آنکه انسان حفظ کرد، نباید بگذارد فراموش بشود. شاید گناه هم داشته باشد که انسان قرآن را حفظ کند و بعد آن قدر نخواند تا فراموش بشود. افرادی که حافظه‌شان ضعیف است، لااقل اگر یک سوره دو سوره پنج سوره حفظ می‌کنند، نگذارند که همان سوره‌ها فراموش بشود؛ چون بعضی حرام و گناه می‌دانند که انسان قرآن را حفظ کند و بعد بگذارد فراموش بشود.»^۲

تفاوت حافظ شیرازی با شعرای دیگر

«حافظ یک مرد عالم است، یعنی اول یک عالم است، دوم یک شاعر، و از این جهت با سعدی یا فردوسی فرق می‌کند. اینها شاعر هستند، کارشان شاعری بوده. حافظ کارش شاعری نبوده، یک مرد عالم و مدرس و محقق بوده است. بعد از مرگش، رفیقش که دیوانش را جمع کرده، اهم آن کتابهایی را که او تدریس می‌کرده، ذکر نموده است. مفسر و حافظ قرآن بوده، تفسیر قرآن می‌گفته، کارش این بوده. خودش هم در یک جا می‌گوید:

ز حافظان جهان کس جو بنده جمع نکرد
لطائف حکمی با نکات قرآنی
در جای دیگر می‌گوید:

ندیدم خوش‌تر از شعر تو حافظ
به قرآنی که اندر سینه داری

۱۹۵۴

و نیز در جای دیگر می‌گوید:

عشقت رسد به فریاد گر خود به سان حافظ

قرآن ز بر بخوانی با چارده روایت

یعنی نه فقط قرآن را بلد بوده و از حفظ بوده، بلکه آن را با قرائت‌های هفت‌گانه می‌خوانده و از حفظ بوده است که این آیه را عاصم این‌جور قرائت کرده، کسانی این‌طور قرائت کرده و ...»

هدف از قرائت زیبای قرآن

«یک وظیفه قرآن یاد دادن و تعلیم کردن است. در این جهت مخاطب قرآن، عقل انسان خواهد بود و قرآن با زبان منطقی و استدلال با او سخن می‌گوید. اما به‌جز این زبان، قرآن زبان دیگری نیز دارد که مخاطب آن عقل نیست؛ بلکه دل است و این زبان دوم، احساس نام دارد. آنکه می‌خواهد با قرآن آشنا گردد و بدان انس بگیرد، می‌باید با این دو زبان هر دو آشنایی داشته باشد و هر دو را در کنار هم مورد استفاده قرار دهد. تفکیک این دو از هم، مایه بروز خطا و اشتباه و سبب خسران و زیان خواهد بود.

آنچه را که ما دل می‌نامیم، عبارت است از احساسی بسیار عظیم و عمیق که در درون انسان وجود دارد که گاهی اسم آن را احساس هستی می‌گذارند؛ یعنی احساسی از ارتباط انسان با هستی مطلق. کسی که زبان دل را بداند و با آن انسان را مخاطب قرار دهد، او را از اعماق هستی و کنه وجودش به حرکت درمی‌آورد. آن وقت دیگر تنها فکر و مغز انسان تحت تأثیر نیست؛ بلکه سراسر وجودش تحت تأثیر قرار می‌گیرد...»

یکی از متعالی‌ترین غرایز و احساسات هر انسان، حس مذهبی و فطرت خداجویی اوست و سر و کار قرآن با این حس شریف و برتر است. قرآن خود توصیه می‌کند که او را با آهنگ لطیف و زیبا بخوانند. با همین نوای آسمانی است که قرآن با فطرت الهی انسان سخن می‌گوید و آن را تسخیر می‌کند.»

«اهتمامی که در خود اسلام به تلاوت قرآن شده است، برای همین است؛ به این معنا که قرآن یک زیبایی مخصوص و یک قدرت القا و تلقینی دارد که غیر از اطلاع از معلومات آن است. خود خواندن و توجه به الفاظ آن، همان الفاظ را تکرار کردن مؤثر است. اینکه دستور رسیده است که قرآن را با آهنگ بخوانند... روی همین حساب است که اصلاً سبک قرآن یک سبک مخصوص آهنگ‌پذیری است که آیات مختلف به تناسب معانی مختلف آهنگهای مختلفی را می‌پذیرد، و از نظر تاریخی و جامعه‌شناسی فوق‌العاده قابل توجه است. تأثیری که زیبایی قرآن در توسعه خود قرآن و در توسعه اسلام و در زیر نفوذ قرار دادن ملت‌های اسلامی داشته است، یعنی قرآن تنها کتاب

آسمانی‌ای است که با قدرت خودش جلو رفته، نه اینکه ملت‌هایی اول روی حسابی آمده‌اند یک دین را پذیرفته‌اند، بعد چون دینی را پذیرفته اند، به کتاب آسمانی آن دین هم احترام گذاشته‌اند.»

نامه به فرزند

استاد در نامه‌های خود به فرزندانش به قرائت قرآن و فهم آن تأکید فراوان داشتند. برای نمونه قسمتی از یک نامه را می‌آوریم:

«فرزند عزیزم! نور چشم مکرّم! آقای علی آقا مطهری رحمه الله لما یحب و یرضی، از خداوند متعال سلامت و موفقیت و حسن عاقبت تو را مسئلت دارم. ... در انتخاب دوست و رفیق فوق‌العاده دقیق باش که مار خوش خط و خال فراوان است، همچنین در مطالعه کتابهایی که به دست می‌افتد. بر اطلاعات اسلامی و انسانیت بیفزای. اگر کتابی از این دست لازم شد، پیغام بده تا برایت بفرستیم. حتی‌الامکان از تلاوت روزی یک حزب قرآن که فقط پنج دقیقه طول می‌کشد، مضایقه نکن و ثوابش را هدیه روح مبارک رسول اکرم بنما که موجب برکت عمر و موفقیت است، ان‌شاءالله. لازم به یادآوری نیست که در انجام فرائض نهایت دقت را داشته باش ...»

پی‌نوشتها

۱. آشنایی با قرآن، ج ۱-۲، ص ۲۵.
۲. همان.
۳. همان، ج ۵، ص ۲۲۸.
۴. حماسه حسینی، ج ۲، ص ۲۲۷.
۵. آشنایی با قرآن، ج ۱-۲، ص ۳۷.
۶. نبوت، ص ۲۴۱.

